



میزبان ضیافت گل‌ها و بوته‌ها

درباره میرزا آقا امامی؛ معلمی که استاد فرشچیان در مکتبش بسیار آموخت

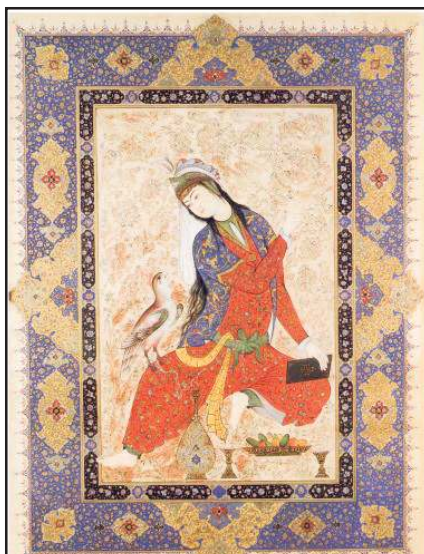
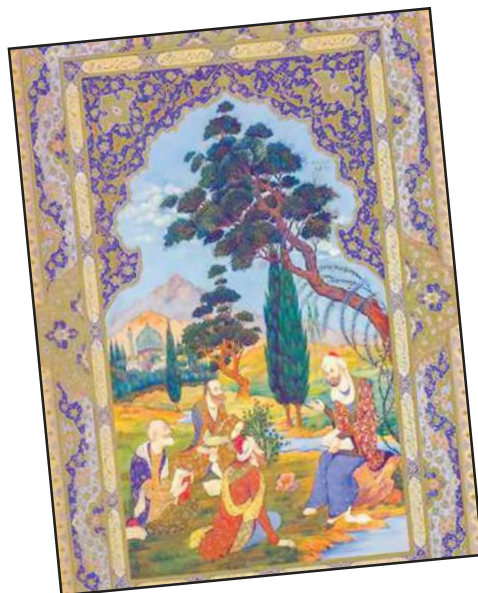
فائزه مجردیان | هر بار که به یکی از نگاره‌های استاد محمود فرشچیان خیره می‌شوم، حس می‌کنم دارم به یک رؤیای بیدار نگاه می‌کنم. رؤیایی که از دل عرفان بیرون آمده و هر خط و نقش و نگارش آدم را به یک سفر خیالی می‌برد. بعد، ناخودآگاه به این فکر می‌کنم کسی که این طور رؤیا می‌کشد، خودش از کجای رؤیا دیدن را یاد گرفته؟ اگر پی‌اش را بگیریم احتمالاً جواب را در کارگاهی قدیمی در اصفهان پیدا کنیم؛ همان جایی که روزگاری رنگ‌ها و قلم‌موها جان گرفتند و فرشچیان برای نخستین بار توانست رؤیاهایش را روی کاغذ بیاورد و به واقعیت نقاشی بدل کند.

■ شاگرد دیوارها و بناها

استاد مرحوم فرشچیان بود. سال‌های سال. در یک کارگاه کوچک و قدیمی. شاید نامش به گوشتان نخورده و غریب باشد، اما در زمان خودش برو بیایی داشت و آدم سرشناسی بود. سال ۱۲۶۰ خورشیدی متولد شد و بعدها نامش با گل و مرغ و نقش و نگار گره خورد؛ میرزا محمدمهدی امامی که او را به نام میرزا آقا امامی می‌شناسند، نه فقط فرشچیان که خیلی‌های دیگر را هم در هنر تربیت کرد و حالا رد دست‌هایش کم و بیش در آثار شاگردانش به خصوص فرشچیان به چشم می‌خورد. پدرش، سید محمدحسین، نقاش گل و بوته بود و آن قدر استاد این کار بود که به «گل و بوته‌ساز» معروف شد. استعداد هنرش موروثی بود و خطاطان و خوشنویسان نامداری در این دودمان بودند و آثارشان در مسجد امام اصفهان یا حتی در هندوستان و عتبات جلوه‌گر بود. پس در این خاندان اگر کسی می‌خواست جز هنر به چیزی دیگر بپردازد، راه سختی در پیش داشت. میرزا آقا تا ۲۴ سالگی سرگرم تحصیل علوم دینی بود اما ول‌کن نقاشی هم نبود و به خاطرش به سراغ استادان اصفهان رفت، اول نزد پدر و عمویش گل و بوته آموخت و بعد پایش به کارگاه‌های هنری دیگر باز شد. با میرزا رضی صنیع همایون در تهران تذهیب و تشعیر یاد گرفت و با نگاه کردن به نقش‌های حیرت‌انگیز عمارت‌های صفوی مثل عالی‌قاپو و چهل‌ستون تازه فهمید دنیا چه اندازه رنگ دارد. بعدها خودش می‌گفت بزرگ‌ترین استادش همین بناهای صفوی بوده‌اند و هر چه از دقایق هنر می‌دانست از دیوارها و سقف‌های آن‌ها آموخته است.

■ ملاقات با یک خانم انگلیسی

در زندگی هر هنرمندی یک اتفاق مسیرش را عوض می‌کند. برای میرزا آقا دیدار با یک خانم انگلیسی چنین نقشی داشت. او در کاروانسرای محمدصادق خان حجره‌ای اجاره کرده بود و بی‌سر و صدا برای خودش تذهیب می‌کشید. روزی آن خانم وارد شد، فارسی شیرین حرف زد و پیشنهاد داد او با دو شاگردش برای نقشه‌برداری و گرت‌برداری از عمارت عالی‌قاپو کار کنند. میرزا آقا قبول کرد؛ پول و شهرتی هم نداشت اما همین کار ساده او را به دنیای معجزه‌آسای نقاشی‌های صفوی پرتاب کرد و عاشق قدیمی‌سازی شد. پس از تجربه‌های گوناگون، سرانجام کارگاه خودش را در تیمچه علی‌نقی و بعد در سرای سنگ‌تراشان راه انداخت. حدود ۲۰ شاگرد داشت و هر کدام را در رشته‌ای پرورش می‌داد. نتیجه این شد که ستارگانی درخشان در آسمان هنر ایران چون حسین بهزاد، حسین اسلامیان، هادی‌خان تجویدی، حسین خطایی و مهم‌تر از همه محمود فرشچیان



پدید آمدند. حتی دختر خودش، زینت السادات امامی هم در همین مکتب بالید و دستی بر آتش داشت. از هنر به نون و نوایی نرسید چون اهل زراوندوزی نبود و هر چه داشت میان نیازمندان تقسیم می‌کرد. دیندار، شوخ‌طبع و خوش‌مشر بود. به قول استاد همایی، با وجود این همه هنرمندی، استغنا طبعش از هر ثروتمندی بیشتر بود. مردی خوش‌سیما، دلشاد و گشاده‌رو که نه تنها در قلمرو هنر که در منش و رفتار نیز پایگاهی بلند داشت.

■ ضیافتی از همه هنرها

کارهای او دامنه‌ای وسیع دارد. در مینیاتور هم از استادان پیشین تقلید می‌کرد و هم آناری اصیل از خود بر جای گذاشت؛ چهره‌ها را اغلب فربه و پر از روح زندگی نشان می‌داد و حتی اگر گاهی رنگ‌آمیزی‌اش ضعیف به نظر می‌رسید، حال و هوای تابلوها تماشاگر را خیره می‌کرد. در تذهیب و تشعیر به ویژه در زنگاری و گل‌های خطایی آن قدر چیره‌دست بود که یاد صفویان را زنده می‌کرد. در سبک موسوم به «ایرانی‌سازی» که پس از صفویه شکل گرفت هم دستی داشت و آناری در آن شیوه از خود به جا گذاشت. هنر گل و بوته‌سازی هم که موروثی در خاندان او بود، با تتبع فراوان ادامه یافت و تابلوهای گل و مرغش هنوز بی‌مانند شمرده می‌شوند. اما شاید یکی از مهم‌ترین تلاش‌های او در رشته سوخت بود؛ هنری که در صحافی و جلدسازی اهمیت داشت اما در دوره قاجار به افول رفته بود. امامی تصمیم گرفت این هنر را از جلد کتاب به تابلو منتقل کند. در کارگاه خود تابلوهای سوختی آفرید که آمیزه‌ای بودند از معرق، مینیاتور، تذهیب، تشعیر، برجسته‌کاری و حتی آرایش قاب. گویی ضیافتی از همه هنرها کنار هم. شاگردانی چون حسین خطایی و خوشنویس زاده و حتی دختر خودش در این فن پرورش یافتند و نامشان به یادگار ماند.

■ علاقه به اهل بیت (ع)

این را هم بگویم که مرحوم میرزا آقا امامی علاقه‌ای عمیق به ائمه اطهار (ع) داشت و همین عشق او را به سفر کربلا کشاند. در بازگشت، مدتی کوتاه در اهواز توقف کرد و برای دوست تازه‌اش، طراح نقشه‌های قالی، نقشه‌هایی طراحی کرد. با وجود اصرار اهوازی‌ها، دلش گیر اصفهان بود و برگشت تا در آنجا هنر طراحی فرش و قالی را توسعه دهد و البته آثار نفیس و زیبایی هم آفرید که دو مدال طلا از دولت وقت برایش به همراه آورد. از میان فرزندان، سید فخرالدین امامی و بانو زینت السادات امامی بیشتر از همه توانستند میراث پدر را ادامه دهند. بانو زینت السادات در مینیاتور، تذهیب، هنر سوخت و گل و بوته‌سازی به چیره‌دستی رسید و تابلو بزرگ «معراج پیامبر (ص)» یکی از شاهکارهای او است. اما سرانجام در صبح روز پنجشنبه ۱۶ آذر ۱۳۲۴ ش/ ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۷۵ ق در اصفهان درگذشت و در قبرستان شمالی مصلاهی تخت فولاد آرام گرفت. اکنون یک کتاب با عنوان «زندگی و آثار هنری حاج میرزا آقا امامی» در ۳۰۵ صفحه به صورت تمام‌مصور منتشر شده که دارای سه بخش عمده از قبیل زندگی حاج میرزا آقا امامی و پیشینه و خانواده، معرفی آثار و دسته‌بندی تکنیکی آثار او است تا نسل معاصر، دانشجویان و هنرجویان نسبت به این هنرمند شناخت بیشتری پیدا کنند.